

Ta'limiyye

i. Abdulhamid, Dirasat, 39

6 SUBAT 1993

20 EYLUL 1993

(Kelim)  
Batiniyye

Ta'limiyye

Deylemi, Batiniyye, 5/10, 21/16,  
24/10; Şehr. Mîlîl, I, 192

1869

3

متعلم به معلم است. بدین معنی که آموزنده سخت تحت تأثیر معلم خویش است و باورمندانه به آرا و نظریه‌های او خو گرفته و بر اساس اعتمادی که به وی دارد گفته‌هایش را می‌پذیرد و از آراء و نظریه‌هایش پیروی می‌کند. (۵) تنبیهی: منسوب است به تنبیه و تنبیه به معنی بیدار کردن و آگاه ساختن است و مراد از تعلیم و تعلم تنبیهی آموزشی است که از طریق یادآوری صورت می‌گیرد. بدین معنی که معلم نقش تذکر دهنده و به یادآورنده دارد و متعلم کسی است که مطلبی را می‌داند و اینک آن را از یاد برده و از آن غفلت ورزیده است. در چنین وضعی، تعلیم چیزی نیست جز تلاش معلم برای رهانیدن متعلم از فراموشی و غفلت، چنانکه فی‌المثل اگر کسی بداند و آموخته باشد که مغناطیس آهن را به سوی خود می‌کشد و اینک آن را از یاد برده و به سببی از آن غافل مانده باشد و با دیدن جذب آهن به وسیله آهن ریادر شگفت ماند بدو می‌گویند: این همان مغناطیس و خاصیت مغناطیسی است و بدین سان دانش فراموش شده او را به یادش می‌آورند و به اصطلاح به تعلیم تنبیهی وی می‌پردازند. (۶) ذهنی (=فکری): ذهنی منسوب است به ذهن و فکری، منسوب است به فکر، یعنی چیزی که با ذهن و اندیشه پیوند دارد و با فکر مربوط است و مراد از تعلیم و تعلم ذهنی و فکری، یاد دادن و یاد گرفتنی است که از امری مسموع یا معقول به بار آید و موجب ظهور رأی و اندیشه‌ای دیگر و تصویری تازه در ذهن یادگیرنده شود. تعلیم و تعلم ذهنی و فکری دو گونه است: الف) گونه معمول و متداول آن بین دو تن انجام می‌شود که یکی یاددهنده (=معلم) است و دیگری یادگیرنده (=متعلم). در این گونه تعلیم، معلم مطلب را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد و متعلم می‌شنود و با نیروی خرد و اندیشه به دریافت و فهم آن نائل می‌آید، ب) گونه کمتر معمول و متداول، تعلیم و تعلمی است بین یک تن با خود او. بدین ترتیب که آموزنده خود، تأمل می‌کند، اندیشه می‌ورزد و از مقدمات به نتیجه‌ای تازه می‌رسد. در این گونه تعلیم و تعلم، شخص، به اعتباری معلم است و به اعتباری متعلم.

منابع: تنها، منطق، کتاب برهان، ۵۷؛ فرهنگ اصطلاحات منطقی، ماده «تعلیم و تعلم» و اقسام آن. اصغر دادبه

تعلیمی، فرقه‌ای از باطنیان که در سده پنجم هجری در میان اسماعیلیه نزاری به وجود آمدند و عقاید مذهبی آنها مبتنی بر «اصل تعلیم» است. شهرستانی نوشته است که این فرقه از باطنیه و اسماعیلیه را در خراسان به عنوان تعلیمی ملقب ساخته‌اند (الملک و النحل، ۱۹۲/۱) از آن رو که خداشناسی را به وسیله خود و اندیشه ممکن نمی‌دانستند و تنها به هدایت و اصل تعلیم پذیری از امام معصوم مستند می‌کردند (جهانگشای جویسی، ۱۹۶/۳). گویا منشاء این طرز تفکر در اسماعیلیه و باطنیه از هنگام ظهور حسن

(اصل=شاهد) را بدین سان برمی‌شمارند: - خانه موجود است؛ خانه قائم به نفس است؛ خانه جسم دارای شکل است؛ آنگاه ویژگیها را با حکم (=حدوث) می‌سنجند. بدین ترتیب که می‌گویند: اگر موجود بودن خانه، یا قائم به نفس بودنش سبب حدوث آن بود می‌بایست هر آنچه موجود است و قائم به نفس حادث باشد و چون چنین نیست جسمیت و شکل داشتن خانه سبب حدوث خانه است (دانشنامه علائی، منطق، ۹۷-۱۰۰؛ اساس الاقتباس، ۳۳۵-۳۳۶؛ جوهر النضید، ۱۶۲ حاشیه). حکیم سبزواری در یک بیت از این دو روش سخن گفته است:

بِالدُّورَانِ وَ هُوَ طَرْدُ عَكْسٍ أَوْ

بِالسَّبْرِ وَالتَّقْسِيمِ تَرْدِيدُ دُرِّوَا

یعنی با روش دوران، که عبارت از طرد و عکس است، و با شیوه تردید که همان سبر و تقسیم است، علت حکم اصل را بازمی‌یابند و به اثبات می‌رسانند (شرح منظومه منطق، ۸۶-۸۷). (← تمثیل، تردید، دوران).

منابع: جز آنچه در متن مقاله آمده؛ الحاشیه علی تهذیب المنطق، ۱۰۸-۱۰۷؛ حواشی الحاشیه، پیوست الحاشیه، ۳۷۵-۳۷۶؛ رهبر خرد، ۲۴۳-۲۴۶؛ منطق صوری، ۱۳۸/۳-۱۳۹. اصغر دادبه

تعلیم و تعلم، معادل مصدر ذوجهین آموختن و در لغت به معنی یاد دادن و یادگرفتن است. در اصطلاح دانش منطق، بدان سان که ابن سینا طرح کرده‌است، آموختن، یعنی یاد دادن و یادگرفتن و آن چند گونه است: (۱) صناعی: منسوب است به صنعت و صناعت به معنی حرفه و پیشه و صنعت است و تعلیم و تعلم صناعی یاد دادن و گرفتنی است که از تمرین و مداومت بر امور مربوط به یک صنعت (حرفه و پیشه) به بار می‌آید، مثل یاد دادن و یادگرفتن درودگری و رنگری. (۲) تلقینی، منسوب است به تلقین و تلقین به معنی در دهان نهادن، یاد دادن و مطلبی را به زبان بازگفتن است. تعلیم و تعلم تلقینی یاد دادن و یاد گرفتنی است که بر بنیاد تکرار الفاظ و عبارات صورت می‌گیرد، مثل آموختن شعر و لغت که با تلقین و تکرار آموخته می‌شود و ملکه ذهن می‌گردد. (۳) تأدیبی: منسوب است به تأدیب و تأدیب چنانکه در کتب معتبر لغت عربی ثبت شده. به معنی تعلیم است و فیروز آبادی نوشته است که «أَدَبُهُ» به معنی «عَلَّمَهُ» است (القاموس المحيط، ماده «ادب»، ۷۵). مراد از تعلیم و تعلم تأدیبی، یاد دادن و یادگرفتنی است که از راه رایزنی و مشورت صورت گیرد. بدین ترتیب که آموزنده از طریق رایزنی و مشورت با آموزش دهنده به دانش پاره‌ای امور دست می‌یابد. (۴) تقلیدی: منسوب است به تقلید و تقلید به معنی پیروی کردن و از پی رفتن است و مراد از تعلیم و تعلم تقلیدی، یاد دادن و یادگرفتنی است که بنیاد و اساس آن اعتماد

ستوده به جمع نویسندگان سابق پیوستند (نک: تعلیم و تربیت، سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۷ش؛ میرانصاری، ۱۰۷/۳؛ هرچند از دوره هفتم (۱۳۱۶ش)، ترکیب نویسندگان به گونه‌ای تغییر کرد که به نظر می‌رسید دست اندرکاران مجله به یک نوع جوان‌گرایی در انتخاب نویسندگان روی آورده‌اند.

مهم‌ترین نکته قابل اشاره در باب انتشار تعلیم و تربیت در مقطع دوم، توقیف و جمع‌آوری شماره پنجم از دوره پنجم (۱۳۱۴ش) آن به سبب درج مقاله‌ای از سیدحسن تقی‌زاده به نام «جنش ملی ادبی» بود. تقی‌زاده در این مقاله به نقد روش فرهنگستان در واژه‌گزینی و تصویب آن توسط رضاشاه پرداخته، و بیان کرده بود که «شمشیر در کار قلم نباید مداخله بکند». این امر بر رضاشاه گران می‌آید و به دستور وی، شهربانی تمام نسخه‌های این شماره را جمع‌آوری می‌کند و در غیاب حکمت که در مسکو به سر می‌برد، برخی از دست‌اندرکاران مجله از جمله رعدی آذرخشی را به حبس می‌اندازد (تقی‌زاده، ۲۵۶-۲۵۷؛ بیات، ۳۸۰/۱؛ افشار، ۳/ بیست و پنج؛ رعدی آذرخشی، ۹-۱۸).

تعلیم و تربیت با همین عنوان و محتوا، تا شماره ۵-۶ دوره هشتم (مرداد- شهریور ۱۳۱۷) به کار خود ادامه می‌داد. از شماره ۷ که محمد محیط طباطبایی مدیریت آن را پیش‌تر برعهده گرفته بود، به سبب گزینش عنوان آموزش و پرورش به جای تعلیم و تربیت از سوی فرهنگستان، مجله با عنوان جدید به انتشار خود ادامه داد (نک: ه، آموزش و پرورش؛ یغمایی، «ماهنامه»، ۱۱۴؛ آرین‌پور، ۶۴/۳).

مآخذ: آرین‌پور، یحیی، *از نیما تا روزگار ما*، تهران، ۱۳۷۴ش؛ افشار، ایرج، *فهرست مقالات فارسی*، تهران، ۱۳۳۸ و ۱۳۵۵ش؛ بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد، *اسناد مطبوعات*، تهران، ۱۳۷۲ش؛ تقی‌زاده، حسن، *زندگی طوفانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۲ش؛ حکمت، علی‌اصغر، «آغاز سال دوم»، *تعلیم و تربیت*، تهران، ۱۳۰۵ش، س ۲، ش ۱؛ همو، «حکم وزارتی»، همان، ۱۳۱۳ش، س ۴، ش ۱؛ همو، «مجله تعلیم و تربیت»، همان، ۱۳۰۴ش، س ۱، ش ۱؛ حکمت، مشارالدوله، «حکم وزارتی»، همان؛ رعدی آذرخشی، غلامعلی، «خاطره‌ای از فروغی، تقی‌زاده و سرپاس مختاری»، وحید، تهران، ۱۳۵۱ش، س ۹، ش ۵؛ صدر هاشمی، محمد، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان، ۱۳۳۲ش؛ ماسه، هانری، «مجله تعلیم و تربیت در خارج ایران»، *تعلیم و تربیت*، تهران، ۱۳۰۵ش، س ۲؛ میرانصاری، علی، *اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران*، تهران، ۱۳۷۸ش؛ یغمایی، اقبال، «ماهنامه آموزش و پرورش»، *ماهنامه آموزش و پرورش*، تهران، ۱۳۴۴ش، س ۳۵، ش ۹-۱۰؛ همو، *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران*، تهران، ۱۳۷۵ش.

تعلیمیّه، عنوانی برای اسماعیلیان نزاری ایران در دوره دعوت جدید (۴۸۳-۶۵۴ق/۱۰۹۰-۱۲۵۶م)، برگرفته از نظریه

عقل» و نیز ۳ ضمیمه به نامهای «اعتماد به نفس» ترجمه علی دشتی، «صنایع ایران در گذشته و آینده» و «سوگواری انجمن ادبی ایران در فوت پرفسور ادوارد براون» (نک: حکمت، علی‌اصغر، همان، ۳-۱؛ ماسه، ۱۲۲-۱۲۳). آنچه بیش از همه در این دوره به چشم می‌آید، کمبود تحقیقات تاریخی و ادبی است که در سالهای بعد جبران شد. نویسندگان مجله در این دوره، شخصیتهایی بودند مانند عیسی صدیق، عباس اقبال آشتیانی، مخبرالسلطنه هدایت، ولی‌الله نصر، غلامرضا رشید یاسمی، سیدحسن تقی‌زاده، آندره هس، اشترونک، محمدعلی فروغی، غلامحسین رهنما، سعید نفیسی و ابوالحسن فروغی. سروده‌هایی نیز در باب تعلیم و تربیت از ملک‌الشعرا بهار، حیدرعلی کمالی و بدیع‌الزمان فروزانفر در مجله درج می‌گردید (نک: تعلیم و تربیت، سالهای ۳-۱).

از مقاله ماسه (ص ۱۲۱-۱۲۴) در باب معرفی تعلیم و تربیت برمی‌آید که این مجله نه تنها در محافل ایرانی، که در مراکز ایران‌شناسی خارج از کشور نیز مورد توجه قرار داشت و بدان مراجعه می‌شد. انتشار تعلیم و تربیت در سال ۱۳۰۷ش «به علی» که علی‌اصغر حکمت «حکم...» (۷) اشاره‌ای بدان نکرده است، تعطیل شد.

انتشار دوره دوم مجله، پس از یک وقفه چند ساله از ۱۳۱۳ش، به مدیریت نصرالله فلسفی و هنگامی که علی‌اصغر حکمت کفیل وزارت معارف بود، شروع شد (نک: همان، نیز یغمایی، همانجاها). در آغاز شماره اول (فروردین ۱۳۱۳ش)، حکم انتصاب نصرالله فلسفی به عنوان سردبیر جدید مجله به امضای علی‌اصغر حکمت درج شده است. حکمت در این حکم به ضرورت آشنایی معلمان با «کتاب و مقالات» مربوط به تعلیم و تربیت اشاره می‌کند و مجله تعلیم و تربیت را قادر به پاسخ‌گویی به این ضرورت می‌داند (نک: حکمت، علی‌اصغر، همانجا).

مجله در این دوره، دارای دو بخش «عمومی» و «رسمی» بود (همانجا)، ولی محتوای آن نسبت به دوره قبل تغییرات کلی کرده بود، بدین معنی که علاوه بر مقالات مربوط به تعلیم و تربیت، بر شمار مقالات تاریخی و ادبی مربوط به فرهنگ ایران افزوده شده بود؛ مقالاتی مانند «تعلیم و تربیت در نظر امام محمد غزالی»، «مدارس اسلامی»، «بازیهای ایرانی»، «نقدالشعر» و نیز ضمیمه‌ای به نام «سعدی‌نامه» به جای شماره ۱۱-۱۲ دوره هفتم (۱۳۱۶ش). ترکیب نویسندگان نیز تغییرات کلی کرده بود و کسانی مانند رضازاده شفق، عبدالرحمان فرامرزی، محمدعلی جمال‌زاده، جلال‌الدین همایی، احمد کسروی، یحیی دولت‌آبادی، روح‌الله خالقی، فاطمه سیاح، لطفعلی صورتگر، احمد بهمنیار، محمدعلی تربیت، کاظم‌زاده ایرانشهر، رعدی آذرخشی و متوجه

1. A. Hesse 2. Strong